

جنگ‌های فلسطین

چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۳
<div><div>۱<div><div>WikiNumber</div></div></div></div>
شماره ۴۱۵۴
 <p>www.fdn.ir</p>
<div><div>۱<div><div></div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div></div></div>



رژیم صهیونیستی **سیدمهدی طالبی** **دبیرگروه جهان‌شهر**

رژیم صهیونیستی برای آمریکا اهمیت زیادی دارد اما نه به‌های از دست دادن دارایی‌ها و فرصت‌های غرب. رژیم صهیونیستی دارایی‌های غرب مانند وجوه اخلاقی و ادعاهای بشردوستانه را نابود کرده و درحال سوزاندن فرصت‌های آن در شرق اروپا در برابر روسیه و شرق آسیا در برابر چین است. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا بر همین اساس و پس از ماه‌ها رویگردانی بنیامین نتانیا‌هو نخست‌وزیر رژیم از دست‌وتلاش، خود به‌طور مستقیم در روز جمعه ۱۱ خرداد (۳۱ می) طرحی برای آتش‌بس در غزه را اعلام کرد. طرح صلح بایدن تفاوت چندانی با طرح صلح پیشنهادی مصر که در اوایل ماه می میلادی مورد موافقت حماس قرار گرفت، ندارد.این طرح سه مرحله‌ای بوده‌و شامل خواسته‌های مقاومت مانندعقب‌نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از غزه، شکسته شدن محاصره، بازگشت ساکنان شمال و بازسازی این منطقه است.

باوجود برخی اشکالات در طرح بایدن، حماس به‌سرعت این طرح را مورد پذیرش قرار داده است. در مقابل اما صهیونیست‌ها د چهار دودستگی شده‌اند. از یک سو نخست‌وزیر و اعضای اصلی کابینه‌اش با طرح بایدن مخالفند و از سوی دیگر تنها اپوزیسیون از آن حمایت می‌کنند.

ایتامار بن گویبر، وزیر امنیت داخلی ویرال اسموئیرچ، وزیر دارایی مخالفت خود

با طرح بایدن را اعلام کرده و تهدید کرده‌اند درصورت پایان جنگ دولت راسرنگون می‌کنند. نتانیا‌هو نیز تاکید کرده با طرح بایدن مخالف است.

اسموئیرچ در بیانیه‌ای که در این خصوص منتشر کرده‌آورده‌به نتانیا‌هو «به‌وضوح» گفته است اگر با این طرح صلح موافقت کند و جنگ را بدون نابودی حماس و بازگرداندن همه اسرا به پایان برساند بخشی از کابینه وی نخواهد بود. او خواهان ادامه جنگ تا نابودی کامل حماس «، بازگرداندن اسرا و ایجاد یک واقعیت امنیتی جدید در غزه و لبنان» شده‌است. بن گویبر نیز طرح بایدن را «غیرمختطانه» و «پروزی برای ترویس» توصیف کرده که امنیت رژیم را تهدید می‌کند.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی پذیرش فوری طرح مصر و طرح بایدن برای آتش‌بس توسط حماس آگاهی این گروه نسبت به رد آن از سوی نتانیا‌هو بوده است. همچنین باید توجه داشت اصلی‌ترین خواسته‌های مقاومت بالاچبار در این طرح هاگنجانده شده‌اند.

با وجود کارکنشی‌های نتانیا‌هو در مسیر آتش‌بس اما به نظر می‌رسد آمریکا به اندازه‌ای در اثر جنگ دچار بحران شده که در بالاترین سطح وارد کارزار توقف جنگ شده است. آمریکا با مطرح کردن طرح آتش‌بس از زبان رئیس‌جمهور قصد دارد به دولت نتانیا‌هو بفهماند هزینه‌های رویگردانی از دستورات واشنگتن بالا بوده و دیگر جایی برای گریز از توقف جنگ ندارد. گام بعدی همان‌گونه که رسانه‌های غربی آن را دزد داده‌اند، عبور از دولت نتانیا‌هو از طریق سرنگونی‌اش است.

چه عواملی بایدن را به طرح صلح سوق داد؟

هزینه‌های ادامه جنگ غزه برای بایدن کمرشکن شده است. این جنگ نه‌تنها منابع ذهنی و مالی واشنگتن را به‌طور منحرف کرده‌بلکه در محیط داخلی آمریکا نیز برای کاخ سفید درمسر ساز بوده است. از این رو بایدن درصدد کنترل ابعاد بحران است تا بتواند پیامد‌های آن را نیز تحت مدیریت خود درآورد.

آنچه نباید می‌شد

آمریکا در حال‌نظاره وضعیت نزار رژیم است. واشنگتن برای دهه‌ها مختصاتی برای هرگونه دیگری تل آویو در نظر گرفته بود که همه آنها نادیده گرفته شدند. در چنین شرایطی ادامه جنگ چیزی جز زیان سنگین نیست.

براساس دکترین نظامی –امنیتی رژیم، غافلگیری، جنگ در محیط داخلی و

بجای چموش

طولانی شدن آن دارای اهمیت بوده باید مدیریت شوند. درخصوص غافلگیری رژیم باید بادستگاه‌های اطلاعاتی خودتهدید را شناسایی و با ابزارهای در دسترس آنها را خنثی کرده یا در مراحل ابتدایی که تهدید کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر است با آن روبه‌رو شود.

درخصوص جنگ در محیط داخلی، رژیم باید مانع از کشیدن شدن جنگ به داخل سرزمین‌های اشغالی یا به‌طور خاص‌تر سرزمین ۱۹۴۸شده‌که سرزمین رسمی صهیونیست‌هاست. رژیم هرچند با تنش‌های گرم در نوار غزه و کرانه باختری روبه‌رو بوده اما این تهدیدات به شکل زمینی به داخل ۱۹۴۸ کشیده نشده و در شکل هوایی با حملات راکتی و پهپادی چندان خسارت زانپوده‌اند. به لحاظ طولانی بودن نیز اغلب جنگ‌های رژیم چندروزه بوده و در موارد معدودی تا چند ماه طول کشیده‌اند.

عملیات ۷ اکتبر و جنگ طوفان الاقصی اما غافلگیرانه بود، نه تنها در سرزمین فلسطین، بلکه به سرزمین ۱۹۴۸ کشیده شد و تاکنون دست‌کم ۸ ماه به طول انجامیده است. به غیر از دکترین کلان نظامی –امنیتی رژیم، طوفان الاقصی دیگر ابعاد سیاست‌های جنگی تل آویو را نیز به چالش کشیده است.

رژیم نباید با جنگ طولانی (به لحاظ زمانی) فرسایشی (به لحاظ تلفات، آسیب و حالت مداوم) و چند عرصه‌ای (تهاجم از چند نقطه مجزا در درون و بیرون سرزمین‌های اشغالی) مواجه می‌شدا اما در جریان طوفان الاقصی به همه آنها دچار گشت.

راه حل رژیم برای جبران این ضایعات انجام حملات بیشتر در عرصه‌های مختلف مانند لبنان، سوریه و حتی سرشاخ شدن با ایران بود که انجام پذیرفت و نشان داد این مسیر نه‌تنها به اصلاح نمی‌انجامد بلکه خود عامل بدتر شدن اوضاع است. عملیات وعده صادق و معادله الاقصی طی آن خود حکایت از بدتر شدن داشت.

اقدام رژیم علیه اماکن دیپلماتیک ایران در سوریه، تهران را به عرصه بیشتری از تقابل کشاند. که طی آن با صدها پهپاد و ده‌ها موشک به‌طور مستقیم به سرزمین‌های اشغالی حمله کرد. به غیر از متحدان رژیم که دست به رهگیری پرتابه‌های ایران زدند، تل آویو خود یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار برای رهگیری‌ها هزینه کرد. علی‌رغم این هزینه‌ها مهم‌ترین پایگاه هوایی رژیم در منطقه نقب و یک پایگاه اطلاعاتی در بلندی‌های جولان آسیب دیدند. تهران همچنین اعلام کرد از این پس به هرگونه حمله علیه افراد و دارایی‌های ایران در منطقه توسط رژیم پاسخ‌ی شدید خواهد داد.

حملات ایران آسیب مالی و تجهیزاتی زیادی به رژیم وارد کرده، معادله اعلامی فرسایش را به حوزه حیثیتی کشانده و نشان داده درگیری‌ها در صورت حمله به دارایی‌های ایران به شدت افزایش می‌یابند. روند جنگ نشان داده شدت‌ها در تمام عناصر زمان، فرسایشی شدن و درگیر شدن محیط داخلی در حال افزایشند.

۲ سیاست ابهامی که نگرفت

رژیم با مشخص شدن عدم تحقق اهدافش در جنگ تلاش داشت با طولانی ساختن جنگ، مانع از آن شود که در از هان طرف بازنده جنگ لقب گیرد. راهکار تل آویو طولانی ساختن جنگ بود تا با عدم اتمام، برداشتی نسبت به طرف بازنده و برنده صورت نگیرد. این سیاست باعث ابهام در تعیین برنده و بازنده می‌شد. با این حال سیاست ابهام لوانی داشت که تل آویو به چند دلیل قادر به فراهم آوردن آنها نشد. پیگیری سیاست ابهام مستلزم کاهش تلفات است. به عنوان نمونه آمریکا در افغانستان برای پیگیری سیاست ابهام نیروهای خود را از خیابان‌ها و جاده‌ها خارج کرده و در پایگاه‌های محافظت شده جای داد و اجزای میدانی عملیات‌ها را به نیروهای دولتی افغان سپرد. حضور عملیاتی آمریکایی‌ها تنها منحصر به پشتیبانی هوایی می‌شد. با این حال عواملی مانع از اجرای این سیاست شدند:

۱. با خروج زمینی صهیونیست‌ها از هرمنطقه غزه، حماس به سرعت از همان

نقطه دست به موشک‌باران شهرک‌های صهیونیست‌نشین می‌زد. این اقدام باعث می‌شد فشاری برای بازگشت به منطقه مزبور در تل آویو ایجاد شود. بازگشت زمینی رژیم به غزه چند پیامد داشت. حضور نیروهای زمینی امکان پشتیبانی برحرم هوایی را کاهش می‌داد؛ زیرا احتمال آسیب‌پذیری نیروهای خود بالا بود. پیش از این هرتری هالوی رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم در حین جنگ با اشاره به جنگنده‌های نسل پنجم اف-۳۵ ادعا کرده بود این جنگ‌افزار امکان پشتیبانی از نیروهای زمینی را به ۲۰۰ متر کاهش داده است. با این حال به نظر نمی‌رسد این قابلیت به شکلی گسترده در اختیار تل آویو باشد. از این رو امکان‌پذیر نبودن پشتیبانی نزدیک هوایی باعث کاهش حملات هوایی می‌شد. پیامد دوم فرار گرفتن نیروها و تجهیزات ارتش رژیم در معرض حملات نیروهای چریکی مقاومت از فاصله صفر بود.

۲. صهیونیست‌ها هرچند بخشی از مناطق غزه را تخلیه کردند اما در نقاطی این حضور استمرار داشت. یکی از این نقاط محور نزاریم بود که غزه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. صهیونیست‌ها تلاش کردند به سرعت در این منطقه استحکاماتی برای حفاظت از نیروهای خود ایجاد کنند اما حملات سنگین مقاومت که شامل استفاده گسترده از خمپاره می‌شد، اجازه این کار را به رژیم نداد. استحکامات زیر آتش مقاومت تکمیل نشدند اما تلاش برای ساخت آنها خود به عاملی برای افزایش تلفات تبدیل شد.

۳. باقی ماندن ده‌ها اسیر در دستان مقاومت مانع از پیگیری آرام جنگ از سوی صهیونیست‌ها می‌شد. آنها به وسیله توافق یا جست‌وجو‌ها می‌شدند. از آنجا که توافق به پایان جنگ منجر می‌شد، جست‌وجو پیگیری شد. پیگیری این شیوه برای آزادسازی اسرا مستلزم گسیل پرتعمد یگان‌های زمینی و در نتیجه افزایش تلفات بود.

۴. مشکل صهیونیست‌ها در طوفان الاقصی تنها غزه نیست. حملات به رژیم از هر سو در منطقه جریان دارد. حملات در شمال نیز تلفات مداومی در پی دارد. از یک سو وجود تلفات بالا مانع از موفقیت سیاست ابهام شده و از سوی دیگر تشدید حملات اضلاع محور مقاومت باعث پرتزنگ شدن رژیم به عنوان طرف شکست‌خورده می‌شود.

۵. جبهه داخلی رژیم یک مانع بزرگ در برابر نتانیا‌هوست. اعتراضات پیوسته خانواده اسرا و شدت اعتراضات اپوزسیون تل آویو راطرف بازنده در جنگ نشان می‌دهد. همچنین راست‌گرایان افراطی حاضر در دولت به‌رهبری ایتمار بن گویبر، وزیر امنیت داخلی ویرال اسموئیرچ وزیر دارایی به کارگیری لواخ سیاست ابهام مانند کاهش سطوح تماس نیروهای زمینی ارتش رژیم با نیروهای مقاومت را حرکت به آتش‌بس درک کرده و نسبت به آن اعتراض می‌کنند. ۶. فشارهای شدید بین‌المللی اجازه طولانی شدن بیش از اندازه جنگ را به تل آویو نمی‌دهند. رژیم با درک این مساله اینگونه برداشت کرد که هرچند فشارهای بین‌المللی در صورت تشدید درگیری‌ها افزایش می‌یابند اما اگر عملیات موفق شود با کوتاه شدن زمان جنگ، این فشارها بی‌اثر می‌شوند.

۳ اولویت‌ها وغیرمطلوب‌ها

بخش قابل توجهی از نهاد‌های اصلی آمریکا مانند ساختارهای مختلف نظامی خواهان تمرکز بر روسیه یا چین هستند. به علاوه طرف‌های بزرگ خارجی ولایی‌هایشان نیز به این دو موضوع گرایش دارند. لایه‌ی هوایپایی خواهان تمرکز بر افریقای ولایی تایوان، ژاپن و کره جنوبی متمایل به تمرکز بر چین هستند. نهاد‌های آمریکایی، متحدان ولایی‌های خارجی تمرکز بر فلسطین اشغالی را آن هم در سطح فعلی و برای بیش از ۸ ماه برنمی‌تابند. این پدیده دلایل دیگری نیز دارد. جنگ اوکراین و فشار بر چین به اندازه درگیری‌ها در فلسطین اشغالی هزینه‌زا نیستند.

جنگ اوکراین جبهه‌ا اخلاقی روسیه را درهم کوبید و وجهه اخلاقی غرب را افزایش داد، همگرایی جهانی با غرب ضد روسیه را به همراه داشت و به گسترش ناتو

طرح صلح بایدن برای خروج غرب از بن بست غزه به دلیل روی‌گردانی نتانیا‌هو و راست‌گرایان افراطی در محاق قرار گرفته است

منجر شد. جنگ در فلسطین اشغالی اما وجهه اخلاقی غرب را درهم کوبیده، به شکاف غرب با دیگران و روابط دین غربی منجر شده و التهاباتی را در داخل کشورهای غربی ایجاد کرده است.

همچنین جنگ اوکراین که در آن غرب با روسیه درگیر است طی ۲۹ ماه ۲۷۰ میلیارد دلار هزینه داشته اما هزینه‌های کلی ۸ ماه جنگ در غزه آن هم با چند گروه شبه‌نظامی باتوجه به زیان ۵۰ میلیارد دلاری و کمک ۲۶ میلیارد دلاری آمریکا به نزدیک ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسد.

۴ نیاز ارتش به ساماندهی

ارتش رژیم صهیونیستی با مشکلات بزرگی روبه‌روست که اگر چاره‌ای برای آنها اندیشیده نشود، موجودیت رژیم به خطر می‌افتد.

۱. بسیج شهرک‌نشینان در طولانی مدت امکان‌پذیر نیست. تحمل وضعیت نظامی حساس برای غیرنظامیان به رویگردانی آنها از جنگ منجر می‌شود.
۲. به دلیل شرایط ویژه عملیاتی و بروز تلفات بالا در میان غیرنظامیان فراخوان شده، نظامیان رسمی بیشتر درگیر جنگ بوده‌و آسیب‌هایی جدی دیده‌اند. جایگزینی آنها زمان‌بر و ضروری است.
۳. تجهیزات نیروی زمینی به شدت آسیب دیده‌اند. دست‌کم یک هزار تانک که شامل نیمی از تانک‌های ارتش است مورد هدف قرار گرفته و به شکل کلی و جزئی دچار آسیب شده‌اند.
۴. باتوجه به پایگاه‌ها و نحوه استقرار کنونی نیروی دریایی و هوایی، در صورت گسترش جنگ این دو نیرو به دلیل حملات به پایگاه‌هایشان از دور خارج می‌شوند.
۵. گسترش جنگ به منطقه که احتمال بالایی دارد باعث انسداد مسیر تاکرات رسانی دریایی و زمینی به رژیم می‌شود.

۵ مدیریت اوضاع داخلی

پس از اعتراضات خیابانی، دانشگاه‌ها به محل خیزش‌های ضد صهیونیستی تبدیل شده و بر تعداد مقامات استفاده‌ده دولت بایدن افزوده می‌شود. بایدن برای مدیریت وضعیت داخلی آمریکا نیازمند کنترل و پایان جنگ غزه است. مسلمانان، اقلیت‌ها، یهودیان لیبرال و ترقی‌خواهان که بیشتر در دایره‌ی آدموکرات‌ها قرار می‌گیرند از ادامه جنایت‌های نتانیا‌هو ناامنیخونند.

۶ آزادی اتباع

تعدادی از اسرای صهیونیست تابعیت آمریکا را در اختیار دارند. اسرایی‌ی که در اثر توافق آتش‌بس اول آزاد شدند اتباع روسیه یا تایلند بودند اما اغلب اتباع آمریکایی همچنان در بند مقاومتند.

۷ حفظ مدیریت شکلی اوضاع

با وجود حضور بزرگ طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جنگ طوفان الاقصی آمریکا با محدود کردن میز مذاکرات به خود و متحدانش تلاش دارد مدیریت صحنه را در انحصار خود نگاه دارد. تداوم جنگ در نهایت این انحصار را می‌شکند و واشنگتن قصد ندارد این اتفاق رخ دهد.

۸ انفکاک آمریکا ورژیم

دولت بایدن قصد داد با اعلام طرح صلح که با واکنش نتانیا‌هو روبه‌رو می‌شود، خود را جدا از اقدامات تل آویو تصویر کند.

۹ تضعیف جغرافیایی رژیم

تسلط صهیونیست‌ها بر جنوب، غلاف غزه، شمال و کرانه باختری در داخل فلسطین اشغالی تضعیف شده و اتمام جنگ می‌تواند آنها را احیا کند.

گسترش

گسترش

هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

طرح صلح بایدن ادامه پروژه عادی‌سازی است

بود که اولویت در کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی دیگر فلسطین نیست؛ بنابراین این می‌توان بدون توجه به مساله فلسطین، مساله عادی سازی و هضم اسرائیل در ترکیبات نظامی، امنیتی و سیاسی منطقه را پیش برد.
۷ اکتبر اما این مفروضه را بر هم زد؛ در نتیجه مقامات آمریکایی سعی کردند سننتر جدیدی را از این تز و آنتی‌تری‌تی که به وجود آمد مطرح کنند. این سننتر، پروژه عادی سازی را به مساله فلسطین وصل می‌کرد. بر این پایه و براساس این طرح که چهره اصلی پشت آن برت مک گرگ دستیار خاورمیانه و شمال آفریقای بایدن در شورای امنیت ملی آمریکا است، قرار است مساله آتش‌بس، بازسازی در غزه، به رسمت شناختن یک دولت فلسطینی در تداوم یا به موازات مساله عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل، مورد پیگیری و توجه قرار گیرد. بنابراین بحث بایدن در ارتباط با این طرح صلح، یک مزیت بلندمدت راهبردی دارد یا یک هدف‌گذاری بلندمدت راهبردی را دنبال می‌کند. این در وهله اول خیلی مهم است. در وهله دوم یک مزیت کوتاه‌مدت هم می‌تواند داشته باشد، آن هم کنترل اوضاع در آمریکا به ویژه ایالت‌های چرخشی یا رقابتی و جبران کردن مساله قهر بخشی از آمریکایی‌های مسلمان تبار با بایدن است که احتمالاً آمریکایی‌ها روی این پروژه کار می‌کنند.

هفته گذشته یک عضو یهودی دولت بایدن استعفا داد. او پنجمین عضو از دولت و اولین عضو یهودی از این دست است که به دلیل حمایت واشنگتن از تل آویو در طول جنگ استعفا داده است. وی یکی از طرفداران رژیم و فعالان لابی‌های صهیونیستی بود که در وزارت داخله آمریکا که دارای وزری یهودی است خدمت می‌کرد. این مساله نشان‌دهنده برز واکرایی فراینده میان یهودیان لیبرال با محافظه‌کاران حاکم بر تل آویو است. این پدیده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
هرچه داستان اتفاقات جنگ غزه تداوم پیدا کرد، برخلاف ان اجماع اولیه‌ای که بین لیبرال‌های یهودی با رادیکال‌های یهودی درمورد واکنش نشان دادن یا ضرورت واکنش نشان دادن به حادثه ۷ اکتبر به وجود آمد، شکسته شد. ادامه جنگ باعث تنهایی دیپلماتیک و سیاسی اسرائیل در نظام بین‌الملل، تظاهرات و اعتراضات گسترده در جهان غرب نسبت به اقدامات اسرائیل در غزه و شکاف در بین اسرائیلی‌ها مانند یهودیه لیبرال و یهودیان رادیکال مذهبی‌تر شد. ما این مساله را تنها در هفته اخیر شاهد نیستیم. به‌طور مثال سناتور برنی سندرز که خودش یک یهودی است حدود چند ماه است که جلودار و پیشتاز اعتراضات علیه اسرائیلی‌هاست. او حتی درخصوص اتفاقاتی که در



جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در آخرین روز هفته گذشته طرحی برای توقف جنگ در غزه پیشنهاد کرد که شباهت زیادی به طرح صلح مصر داشت. گروه حماس که پیش از ورود زمینی ارتش رژیم صهیونیستی به رفح موافقت خود با طرح صلح مصر را اعلام کرده بود پس از پیشنهاد علنی بایدن نیز این مساله را تکرار کرد. با این وجود مقام‌های حماس و کارشناسان بر دوپهلو بودن طرح بایدن تاکید دارند.

برای بررسی ابعاد و اهداف طرح صلح بایدن به سراغ هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل بین‌الملل رفته‌ایم. او می‌گوید طرح بایدن در راستای پروژه عادی سازی قرار دارد. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

■ ■ ■

جو بایدن روز جمعه طرحی برای آتش‌بس جنگ غزه ارائه کرد. آیا می‌توان گفت یکی از اهداف ارائه رسمی این طرح توسط بایدن مدیریت اوضاع داخلی است که تا حدی به دلیل جنایت‌های رژیم صهیونیستی دچار التهاب شده و به‌طور ویژه برای دموکرات‌ها دردسر ساز بوده است؟

باید به این نکته توجه داشت که طرح صلح بایدن در ادامه پروژه‌ای است که قبل از ۷ اکتبر توسط دولت او پیگیری می‌شد و آن تداوم بخشیدن به پروژه صلح ابراهیم است. بحث عادی سازی روابط بین کشورهای عربی و به ویژه در کانون آن عربستان سعودی با اسرائیل، در صلح ابراهیم پیگیری می‌شد. اتفاقی که در ۷ اکتبر افتاد این بود که مساله اصلی دوباره مساله فلسطین شد و در صدر قرار گرفت؛ درحالی‌که مفروضه بنیادین پروژه ابراهیم این بود که مساله فلسطین از اولویت منطقه خارج شده است. این برداشت به تحلیل «دولت-ملت محور» مقامات آمریکایی از منطقه خاورمیانه برمی‌گردد. معمولاً در تحلیل‌هایی که مقامات آمریکایی از منطقه خاورمیانه ارائه می‌دهند، نسبت به لایه‌های دیگری از بازیگران مهم منطقه بی‌توجه هستند. آنها در تحلیل‌هایش برای بازیگران غیردولتی هیچ شناسیت و موضوعیتی قائل نیستند و به آنها بیشتر به‌مثابه ایزه‌ها و مهره‌هایی در دست بازیگران دولتی نگاه می‌کنند. مقصود از بازیگران غیردولتی، درواقع بازیگران Non nation State است. بنابراین مفروضه بنیادین پروژه صلح ابراهیم بر این مبنا قرار گرفته